

# تاجر منشی دولتیان و گزارش تفریح بودجه

دنیای خشک و انعطاف ناپذیر اقتصاد را با شوخی و طنز میانه‌ای نیست. چگونه می‌توان بیلان یک بانک را از دیدگاهی طنزآمیز به نقد کشید، یا سیاست‌های مربوط به واردات و صادرات را بهانه‌ای برای شوخی قرار داد؟ چه کسی را می‌توان سراغ گرفت که بتواند ریش مخابرات را به سبیل وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی گره بزند و یا یک واحد صنعتی عظیم را در نقش یک تاجر جا بیندازد.

## طرح یک فرض خوش بینانه

به واقع چرا باید سازمان سردخانه و کشتارگاه شهرداری تهران خرما صادر کند، بانک سپه تیرآهن بفروشد و یا شرکت مخابرات دستگاه رادیولوژی آکبند را برای فروش عرضه کند؟

نگاهی به بند ده از استیضاح ۲۴ ماده‌ای ۱۹ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از وزیر معادن و فلزات می‌تواند سرنخی از جریانات غیرمتعارف حاکم بر سازمان‌های اقتصادی کشور به دست بدهد. در این بند پرسیده شده است:

۱۰- «دلیل استفاده از وام بانکی (بانک سپه) برای اهدافی غیر طرح چادرملو چیست؟»

در زمان تنظیم این گزارش هنوز وزیر معادن و فلزات در مجلس حضور نیافته و در مورد پرسش‌های بیست و چهارگانه نمایندگان مجلس توضیح نداده بود. اما می‌توان فرضی خوش بینانه را در رابطه با تیرآهن فروشی بانک سپه و بند دهم استیضاح مورد بحث مطرح کرد.

فرض می‌تواند این باشد که یکی از دستگاه‌های وابسته به وزارت معادن و فلزات (طرح چادرملو) برای گرفتن وامی از بانک سپه با مقامات بانک مزبور وارد مذاکره می‌شود و در مقابل تسهیلات دریافتی ۱۲۷۸۷ تن از تولیدات ذوب آهن اصفهان را در اختیار بانک مذکور قرار می‌دهد.

اگر این فرض پذیرفتنی نباشد چه فرض دیگری را می‌توان مطرح دانست؟ این که یک بانک اقدام به خرید و فروش تیرآهن کند پذیرفتنی نیست. فرض دیگر می‌تواند این باشد که بانک اصولاً تیرآهن نخورده و این مقدار تیرآهن بابت بدهی فرد یا سازمانی توسط بانک ضبط شده است. در این صورت می‌باید آگهی تحت عنوان «آگهی حراج» در مطبوعات به چاپ

برسد، نه «آگهی مزایده».

فرض دیگری که می‌توان مطرح کرد (و خداکند فرضیه غلطی باشد) این است که بین وام طرح چادرملو و این مقدار تیرآهن مزاد بر نیاز بانک سپه ارتباطی وجود ندارد، و بانک مزبور، تیرآهن را خریده تا در فرصت مناسب، و هنگامی که بازار «شیرین» می‌شود آن را بفروشد. در این صورت، جای بسی تأسف خواهد بود، زیرا کار یک بانک حضور در متن یا حاشیه معاملات غیر سالم تجاری نیست.

## تجارت به جای خدمت

سازمان سردخانه و کشتارگاه تهران یا اساستامه‌ای دارد یا شرح وظایفی. مسلماً در اساستامه و یا شرح وظایف این سازمان از ورود به حیطه بسته‌بندی و صدور خرما ذکر نشده است. کار اصلی این سازمان که از قدیمی‌ترین سازمان‌های وابسته به شهرداری است، اداره کشتارگاه تهران بوده است. حال چرا، و بر اساس چه ضابطه و مجوزی این سازمان در عرصه بسته‌بندی و صادرات فعال می‌شود، مطلبی است که عقل جن هم به آن نمی‌رسد.

در این مورد نیز فرض‌های متفاوتی می‌توان مطرح کرد؛ اما به جای طرح هر فرضیه‌ای فقط به ذکر سؤالی اکتفا می‌شود:

چه انگیزه‌ای مسئولان این سازمان را به فکر بسته‌بندی و صدور خرما انداخته است؟  
- دل سوزی به حال خرماکاران بی؟

- عشق و علاقه به توسعه صادرات غیرنفتی؟

- یا علاقه به ارز حاصل از صادرات که این روزها بسیار خواهان دارد؟!  
دلیل این اقدام هرچه باشد نمی‌تواند اقدام سازمان مزبور را توجیه کند. کما اینکه اقدامات بسیاری دیگر از وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی در ورود به این قبیل معاملات قابل توجیه نیست.

غرق شدن در دنیای تجارت بسیاری از سازمانهای دولتی را به مسیری کشانده است که با وظایف سازمانی آنها،

و با مقررات جاری و قانونی کشور همخوانی ندارد.

مثلاً در مورد کارخانه ماشین‌سازی تبریز این پرسش مطرح است که خرید زیاده بر مصرف شمش‌های ذوب آهن و نیز شمش‌های چدنی روسی (که احتمالاً وارداتی نیز هست) به چه دلیل انجام گرفته است؟ عدم تدبیر مدیریت که نتوانسته میزان مصرف واحد خود را پیش‌بینی کند؟ و یا استیلائی نوعی روحیه سودجویی؟ آیا این استدلال مطرح نبوده که می‌توان از ذوب آهن شمش زیاده‌تری خرید و در بازار بفروش رساند؟ یا چه اشکالی دارد که پروفورمای خرید شمش چند از روسیه را با رقم بالایی برکرد و سپس مزاد آن را با سود در بازار فروخت؟

درک اثرات مخرب حاکمیت یافتن روحیه تجارگری بر دستگاههای اجرایی، سازمانهای مالی و ارگانهای رسمی و نیمه رسمی دولتی زمانی میسر است که آمار واردات، خریدهای داخلی، فروش‌ها و جابه‌جائی کالاها در این سازمان‌ها و مؤسسات طی سالهای اخیر از سوی هیأت‌های مالی خیره دیوان محاسبات مورد بررسی قرارگیرد.

همچنین لازم است گردش کار شرکتی که در جنب وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی تشکیل شده مورد ارزیابی قرارگیرد تا معلوم شود عملکرد آنها بر اقتصاد کشور تأثیر مثبت داشته یا تأثیر منفی؟

به عنوان یک نمونه به یک شرکت وابسته به وزارت آموزش و پرورش اشاره می‌شود که طبق جزوه‌ای که از طرف همین شرکت منتشر شده:

«این شرکت با سرمایه اولیه ده میلیون ریال در اسفند ۱۳۶۸ تأسیس و در مرداد ۱۳۶۹ عملاً شروع به فعالیت نمود. اهداف:

الف) تهیه، تولید، فروش، آموزش نحوه کاربرد وسایل ورزشی از هر نوع برای کلیه مؤسسات آموزشی مانند واحدهای آموزشی تابعه وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی و دیگر مراکز و ارگانهای آموزشی کشور.

ب) ایجاد کارخانجات تولیدی کلیه وسایل ورزشی.

ج) عملیات بازرگانی (صادرات و

# چرا شرکتها و بانکهای دولتی حساب پس نمی دهند؟

**واردات) همچنین ایجاد نمایندگی و تحصیل آن**

در سایر صفحات این جزوه مطالبی چاپ شده که نشان می دهد شرکت مزبور (مخصوصاً انواع توپ) را از کشورهای ژاپن - کره جنوبی - تایوان - پاکستان و هندوستان وارد کرده است (با ارز دولتی).

آیا این وسائلی را که با ارز دولتی وارد کرده اند، با قیمت تمام شده آن، به اضافه یک سود متعارف در اختیار مدارس قرار داده اند؟

آیا شرکت، به عنوان یک نهاد وابسته به یک وزارتخانه که متولی آموزش و پرورش کشور است، توانسته تمامی امکاناتی را که در اختیارش گذاشته اند در جهت رفع کمبود وسایل ورزشی مدارس به کار اندازد، و از ورود به حیطه تجارت صرف اجتناب کند؟

قید جمله «تهیه، تولید، فروش، آموزش نحوه کاربرد وسایل ورزشی از هر نوع برای کلیه مؤسسات آموزشی...» در بسند الف، و «عملیات بازرگانی (صادرات و واردات)» در بند ج از شرح وظایف این شرکت نشان می دهد که منعی برای فروش وسایل ورزشی وارداتی با ارز دولتی به غیر از مدارس دولتی وجود نداشته و ندارد.

جدول اسامی نمایندگی های شرکت که در آخر جزوه چاپ شده و در آن نام فروشگاهها و افراد عادی به چشم می آید نشان می دهد شرکت مورد بحث طرف معامله افراد و فروشگاههایی در بازار آزاد است. آیا وسایل ورزشی وارداتی با ارز ۷ تومانی به این افراد و شرکتها نیز بر اساس قیمت تمام شده + سود بر مبنای دلار ۷۰ ریالی واگذار شده است؟

**نگاهی به گزارش تفریغ بودجه**  
حاکمیت یافتن روحیه تجارت و منفعت طلبی بر دستگاههای وابسته به دولت بسی تردید متضمن فسادها و نابسامانی هایی است.

در مورد دستگاههایی که در این گزارش نام آنها ذکر شده به یک دلیل باید فرض را بر خوش بینی و برائت گذاشت. زیرا این که کالای مازاد خود را به مزایده گذاشته اند، و یا در جزوه ای شرح فعالیت های خود را داده اند، می تواند نشانه ای از آن باشد که اگر سودی در این معاملات وجود داشته به حساب دستگاه مربوطه واریز شده است.

نگرانی و سوءظن به دستگاهها، سازمانها و مدیرانی باز می گردد که از این گونه معاملات هیچگونه نشانه ای برجای نگذاشته اند، و یا از ارائه گزارش عملکرد خود و سازمان تحت امرشان خودداری کرده اند.

مروری گذرا بر گزارش تفریغ بودجه سال ۷۰ که در آذر سال جاری به مجلس شورای اسلامی ارائه شد می تواند توجیه گر این نگرانی باشد.

آقای بیت الله جعفری مخبر کمیسیون محاسبات قبل از ارائه گزارش، در مقدمه ای گفته است:

۱- پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در اجرای اصل ۵۵ قانون اساسی و قانون تفریغ بودجه سالهای پس از انقلاب اولین گزارش تفریغ بودجه مربوط به سال ۱۳۶۱ بوده که در اسفند ماه ۱۳۷۰ توسط دیوان محاسبات کشور تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید [ولی] به لحاظ پایان دوره سوم رسیدگی به آن انجام نگرفت. پس از شروع دوره چهارم گزارش تفریغ سال ۱۳۶۹ کل کشور در مورخه ۱۱/۹/۷۱ از سوی دیوان محاسبات به مجلس تقدیم گردید که بلافاصله در دستور کار کمیسیون قرار گرفت و پس از بررسی در جلسه علنی چهارشنبه ۳۰ دیماه ۱۳۷۱ قرائت گردید.

۲- گزارشی که هم اکنون پیش رو داریم سومین گزارش تفریغ بودجه و مربوط به سال ۱۳۷۰ کل کشور می باشد...

آنگاه آقای جعفری گزارش مفصل تفریغ بودجه سال ۱۳۷۰ را ارائه می دهد که حاوی نکات جالب توجهی است. چند نکته ذیلاً نقل می شود:

● بابت ۵۷/۲۱ درصد درآمد پیش بینی شده شرکت های دولتی و بانکها و برای ۵۶/۵ درصد هزینه

دستگاههای مذکور صورتهای مالی ارائه نشده است.

● در سال ۷۰ تنها بابت ۲۳/۰۶ درصد از اعتبارات جاری دستگاهها صورتحساب ارائه شده است.

● از ۳۲۶ شرکت، بانک و مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت عملکرد ۱۵۶ شرکت دولتی و ۷ بانک در صورتحساب درج شده است و از این تعداد نیز تنها ۴۳ شرکت و یک بانک توانسته اند ترازنامه و صورتحساب سود و زیان خود را به تصویب مراجع ذیربط برسانند.

● شرکت ملی فولاد ایران کاهش وصولی ردیف ۴۲۲۴۰۰ را عدم پیش بینی ردیف اعتباری در مقابل واریز وجه به خزانه اعلام نموده و از واریز درآمد به خزانه برخلاف ماده ۵۶ قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی و مصرف آن در موارد معین خودداری نموده است.

به فراری که گزارش مورد بحث صراحت دارد تا سال ۱۳۶۹ عملکرد مالی سازمانهای دولتی مورد تأیید یا رد قرار نگرفته، چون اصولاً مورد بازبینی قرار نگرفته است. در مورد بودجه سال ۱۳۷۰ نیز از ارائه صورتحساب برای حدود ۷۷ درصد از هزینه های جاری دستگاههای دولتی خودداری شده است.

گزارش تفریغ بودجه سازمانهای اصلی دولت را دربر می گیرد. شرکتهای ریز و درشتی که طی سالهای اخیر در جنب دستگاههای اجرایی دولت تشکیل شده از شمول این حسابرسی ها مستثنی هستند. این شرکتها غالباً به صورت بازرگانی اداره می شوند و حکم شتر مرغ را دارند. هنگام برابرداری (حساب پس دادن) مرغ می شوند و هنگام پرواز کردن (دریافت تسهیلات دولتی) شتر! ریشه خیلی از مفاسد اجتماعی، و حتی نابسامانیهای اقتصادی حاکم بر جامعه کنونی ما را باید در همین گرفتن امتیازها و حساب پس ندادنها جستجو کرد.

سازمانها و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت هر کدام شرح وظایف و تکالیفی دارند که عدول از آنها جرم است.

کسار بازرگانی را باید وزارت بازرگانی انجام دهد. کار آموزش و پرورش را وزارت آموزش و پرورش. متولی صادرات محصولات کشاورزی وزارت کشاورزی و وزارت بازرگانی هستند و قس علیهذا...

این چه منطقی است که هر وزارتخانه و مؤسسه دولتی اجازه داشته باشد در حاشیه خود بک یا چند شرکت بازرگانی اقماری دایر کند و خود را از شمول قانون بودجه و قانون دیوان محاسبات مستثنی بداند؟

اگر امروزه شنیده می شود که عده ای از ثروتهای باد آورده عده ای دیگر سخن می گویند، ریشه را نباید در «شایعه» جستجو کرد. ریشه را باید در عدم اجرای قانون دیوان محاسبات و کم لطفی به اصول ۴۹، ۵۳، ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی پیدا کرد.

گزارش را با یادآوری همین اصول و با امید به اجرای دقیق آنها به پایان می بریم:

## اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود.

## اصل پنجاه و سوم

کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

## اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

## اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههاییکه به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به تریبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.